

Mental Concepts 4 ویژگی های مفاهیم ذهنی ۴

مقدمه: در جلسه قبل گفتیم برای اینکه بی ببریم مفاهیم ذهنی در مغز ما چگونه ساخته میشوند و چگونه تشکیل شبکه های معنایی را میدهند، یک مفهوم ذهنی بخصوص را وسط کاغذ می نویسیم و دیگر مفاهیمی که به ذهنمان خطور میکند را در اطراف آن مینویسیم.

در این جلسه میخواهیم این تمرین را یک مرحله جلوتر برده تا به ایده های ذهنی که در درون مفاهیم هست برسیم.

بررسی بیشتر مفاهیم ذهنی نشان میدهد که پیرامون هر مفهوم ذهنی یک سری ایده های **ذهنی Ideas** قرار دارند. شما میتوانید خودتان با انجام یک تمرین ساده به بررسی نحوه مفهوم سازی در ذهن خودتان و یا دیگران پی ببرید.

روی یک برگه کاغذ، یک مفهوم ذهنی را بنویسید و خودتان یا دیگری ده جمله در باره آن مفهوم بنویسید. مثلا ده جمله برای یک مفهوم ذهنی مثل **تهران**، **مهاجرت**، **مدرسه**، یا **آمریکا** بنویسید. هر یک از جملاتی که نوشته میشود یک ایده هست در باره آن مفهوم و این ایده ها نشان میدهند که آن مفهوم بخصوص چطور در ذهن شما مفهوم سازی شده است.

شهر **تهران** در ذهن یک شخص ممکن است به عنوان شهری شلوغ با آلودگی هوا و ترافیک به گونه ای مفهوم سازی شود که تصمیم چنین شخصی برای زندگی نکردن در این شهر را تحت تاثیر قرار بدهد.

همین شهر اگر در ذهن یک فرد دیگه طوری مفهوم سازی بشود که جاذبه هایش بیشتر جلوه گر باشد مثلا امکانات آموزشی، درمانی و تفریحی بهتری دارد چنین فردی طرز فکری در این مورد پیدا میکند که برای زندگی در این شهر گرایش بیشتری نشان میدهد و شانس تصمیم گیری برای زندگی در این شهر قویتر است.

خب گفتیم هر مفهوم ذهنی از یک سری ایده های ذهنی تشکیل شده که وقتی از کسی بخواهیم ده جمله در باره یک کانسپت بخصوص بنویسد آن شخص در واقع ده ایده را

در باره آن مفهوم به ما میدهد و این نشان میدهد آن کانسپت چطور در ذهن او مفهوم سازی شده است.

این ایده ها را میتوان به سه گروه تقسیم کرد:

پیش فرض ها یا فرض های مسلم Assumptions

واقعیت ها Facts or Information

برداشت ها Inferences

پیش فرض ها (Assumptions or Unexamined beliefs)

آن گروه از ایده ها هستند که ما آنها را بدون دلیل مسلم فرض کرده و هرگز در مورد شان به شکلی آگاهانه سوال و تحقیق نکرده ایم.

این ایده ها در **پس زمینه ذهن** ما وجود دارند و ما آنها را **مسلم و بدیهی** Take them for granted میدانیم. یعنی اینکه اثبات نشده هستند و بدون دلیل و برهان آنها را قبول کردیم.

فرض های مسلم ممکن است درست یا نادرست باشند. سالیان سال انسان ها با این پیش فرض زندگی میکردند که **زمین مسطح** است تا اینکه یک ذهن نقاد این فرض مسلم را به پرسش گرفت و ایده کروی بودن زمین را مطرح کرد. البته هنوز هم افرادی هستند که فکر میکنند زمین مسطح است و ایده کروی بودن زمین رو قبول ندارند.

این ایده که **حیوانات عواطف و احساسات ندارند** سالهای سال تفکر رایج در روانشناسی و یک فرض مسلم بود.

در حوزه **آموزش زبان دوم** محققین حدود یک قرن در جستجوی یافتن به اصطلاح **"بهترین روش یا متد"** بودند تا اینکه به این نتیجه رسیدند که چنین متدی اصلا وجود ندارد و برای زبان آموزان مختلف روش های متفاوتی باید بکار گرفته شود.

وجود پیش فرض ها و نقشی که در فرایند تفکر ایفا میکنند بسیار مهم است. پیش فرض ایده ای است که شما **بدون دلیل آنرا قبول کردید**. آگه از شما پرسند از کجا میدانید حرفی برای گفتن ندارید. چیزی که آنرا قبول کردیم و رد شدیم. بسیاری از ما باور به وجود خدا را اینگونه دریافت کرده ایم.

پیش فرض ها هر روز در زندگی ما دهها و صدها بار اتفاق می افتند و بسیاری از آنها هم منطقی هستند. مثلا وقتی شما وارد مغازه ای میشوید تا چیزی بخرید با این پیش فرض که شخصی که پشت کانتر است فروشنده یا صاحب مغازه است با موضوع برخورد میکنید.

از او نمی خواهید ثابت کند فروشنده است و این کالاهایی که عرضه کرده برای شان فاکتور خرید دارد.

وقتی به کسی پول قرض میدهید و بعد پول شما را بر نمی گرداند بخاطر این است که شما این پیش فرض نادرست را داشتید که او فردی قابل اعتماد است.

وقتی متنی را میخوانید یا به سخنی گوش میکنید سعی کنید پیش فرض های نویسنده یا گوینده را تشخیص داده و یادداشت کنید. پیش فرض ها دو نوع هستند گروه اول **پیش فرض های صریح** هستند که در جملات گوینده یا نویسنده دیده میشوند. گروه دوم **پیش فرض های تلویحی** هستند که مستقیم ذکر نمیشوند اما به طور غیرمستقیم و تلویحی در نظر گرفته میشوند.

پیش فرض های تلویحی یک مدیر پروژه میتواند موارد زیر باشد که البته میتواند دردرس آفرین هم باشد.

از محصول ما استقبال خواهد شد

رقیبای ما در بازار فلان پر خورد را خواهند داشت

فروش محصول ما در یکسال دو برابر میشه

گاهی اوقات میتوان با انجام بررسی بیشتری برد که پیش فرض درست است یا نادرست. گاهی باید منتظر نتیجه ماند.

گروه دوم ایده ها را ما ایده هایی میدانیم که در ذهن به شکل واقعیت **facts or Realities** ذخیره میشوند. واقعیت ها آن دسته از ایده ها هستند که به شکل اطلاعات **information** از مجاری مختلف وارد ذهن می شوند مثل آنچه در اخبار گفته می شود و یا مطالبی که در یک کتاب میخوانیم یا حرفهای یک معلم سر کلاس. این ایده ها ممکن است **حقیقت داشته باشند یا خیر**. چون ذهن آنها را درست تلقی میکند ما آنها را **fact** میدانیم نه اینکه لزوما درست باشند.

اینکه ایران کشوری در خاورمیانه است ایده ای درست و اینکه کسی فکر کند که آرامگاه مولوی در همدان است، ایده ای نادرست و غلط است.

بله همانطور که گفتم علت اینکه این دسته از ایده ها واقعیت **fact** نامیده میشوند این است که ذهن آنها را درست میدانند و تمایز بین واقعیت و حقیقت در اینجا حائز اهمیت است.

در کنار بحث درست یا نادرست بودن این ایده های ذهنی، این گروه از ایده های ذهنی را از این نظر که **نسبی** یا **مطلق** باشند نیز می توان مد نظر قرار داد. یعنی همیشه وضعیت درست / نادرست در موردشان صدق نمیکند. مثلاً یک متد آموزشی برای گروهی از فراگیران جواب میدهد و برای گروهی دیگر خیر.

گروه سوم ایده هایی که مفاهیم ذهنی را شکل میدهند **برداشت ها inferences** هستند. باید به این نکته توجه داشت که ذهن صرفاً دریافت کننده ایده ها نیست. گاهی بر اساس ایده های وارد شده دست به ایده سازی میزند و ایده های نو میسازد. پیش فرض ها و ایده هایی که به شکل واقعیت به ذهن وارد میشوند مبنای ساخت برداشت ها و نتیجه گیری ها میشوند.

مثلاً در اخبار میشنوید که:

یک بمب در پاریس منفجر شده است.

چه ایده ای در این لحظه در ذهن شما ساخته می شود؟ مثلاً

این انفجار کار گروه های افراطی مسلمان است.

این یک نتیجه گیری یا برداشت است که در پس زمینه خود این پیش فرض را دارد که:

پمپ گذاری در کشورهای غربی کار گروه های تند روی اسلامی است.

برادرتان مطلبی را به شما میگوید. شما در ذهنتان این پیش فرض را دارید که او هیچ وقت به شما دروغ نمیگوید. شما استنباط یا نتیجه گیری میکنید که این مطلب درست است.

از استادم خواستم به من نمره بیشتری بدهد و نداد

نتیجه گیری: استاد عقده ای است

اینجا نتیجه گیری بر اساس این پیش فرض است که:

استادی که ارفاق نمیکند عقده ای است

دختر خاله شما قصد دارد از همسرش جدا شود

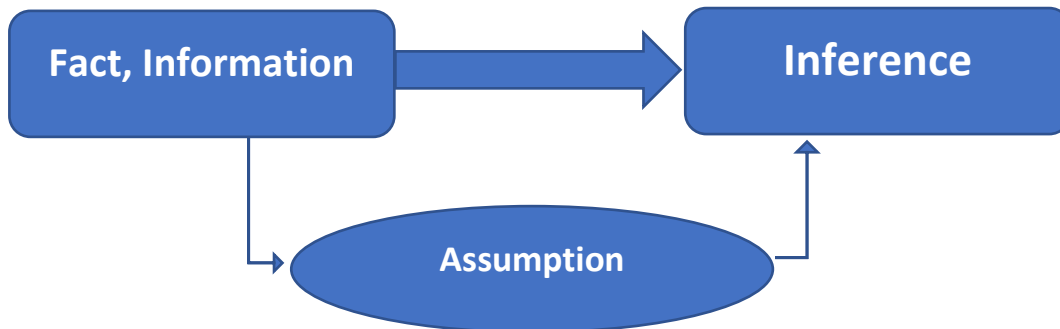
خودش به شما گفته شوهرش معتاد است

اینجا نتیجه گیری بر اساس دو خبر است که به شکل اطلاعات در ذهن است و پیش فرض نداریم. این دو ایده ذهنی که به شکل مثلاً فکت به ذهن شما داده شده و شما بر اساس آنها تصمیم گرفته اید ممکن است درست یا نادرست باشند.

استنباط و نتیجه گیری بستگی به این دارد که ایده هایی که به ذهن توسط محیط وارد میشوند ایده های درستی باشند. متأسفانه ذهن سیستم **Fact Checking** برای راستی آزمایی ندارد. از سویی دیگر برخی **تمایلات ذهنی** در نتیجه گیری های ذهن دخالت میکنند و باعث بروز خطا در نتیجه گیری میشوند.

آموزش تشخیص پیش فرض ها:

دقت کنید در حالیکه واقعیت ها و نتیجه گیری ها در پیش زمینه ذهن هستند پیش فرض ها در لایه زیرین و در پس زمینه ذهن هستند.



رضا باید خانه باشد چون امروز جمعه است.

Fact: امروز جمعه است

Assumption: رضا جمعه ها در خانه می ماند

Inference: رضا باید خانه باشد

او راست میگوید چون مرجع تقلید است.

Fact: او مرجع تقلید است

Assumption: مرجع تقلید دروغ نمیگوید

Inference: او راست میگوید

من نرفتم خرید چون داشت برف می بارید.

Fact: داشت برف می بارید

Fact: من نرفتم خرید

Assumption: وقتی برف میبارد زمان مناسبی برای خرید رفتن نیست

Inference: نتیجه گیری نداریم

نفر اول: دولت حقوق معلم ها را افزایش داد از ترس اینکه اعتصاب کنند.

واقعیت: دولت حقوق معلم ها را افزایش داد

نتیجه گیری: از ترس اینکه اعتصاب کنند

پیش فرض: دولت از اعتصاب معلم ها واهمه دارد.

نفر دوم: دولت حقوق معلم ها را افزایش داد تا وضعیت معیشت آنها بهتر شود

واقعیت: دولت حقوق معلم ها را افزایش داد

نتیجه گیری: دولت میخواهد وضعیت معیشت معلم ها بهتر شود

پیش فرض: دولت به فکر معیشت معلم هاست.

خب اجازه بدهید در اینجا به این مسئله هم اشاره کنم که حال که میدانیم هر مفهوم ذهنی حاوی تعدادی ایده ذهنی است ، تعداد این ایده ها بستگی به میزان آشنایی فرد با

مقوله مورد نظر دارد شاید یکی نتواند بیش از دو سه ایده در مورد سقراط روی کاغذ بیاورد ولی کسی که با سقراط آشناست بتواند 100 تا ایده راجع به او بنویسد.

از بحث بالا به ویژگی دیگر مفاهیم ذهنی که همان **پویایی و تحول** یافتن است پی میبریم. مفاهیم ذهنی دچار دگرگونی می شوند و با دریافت اطلاعات جدید دستخوش تغییر میشوند.

سعی کنید با بررسی بیشتر مفاهیم ذهنی خود را پالایش کنید مطالعه و تحقیق کنید ببینید مفاهیم ذهنی شما چقدر با آن پدیده بخصوص متناسب و هماهنگ هستند و به قوی آنرا نمایندگی represent میکنند.